



## کمک یا رواج تقلب در آموزش آنلاین؟

صدای پچ مادرها و پدرها موقع پرسیدن درس، دستخط خرچنگ قورباغه دانش آموز در کلاس درس و ناگهان دستخط زیبایش موقع امتحان و ...

«صدای پچ پچ مادرها و پدرها موقع پرسیدن درس، دستخط خرچنگ قورباغه دانش آموز در کلاس درس و ناگهان دستخط زیبایش موقع امتحان و ... خیلی از معلم ها را کلافه کرده و کار به جایی رسیده که معلم ها دانش آموزانی را که مشکوک به تقلب هستند، به مدرسه فرامی خوانند و از آنها امتحان می گیرند تا بفهمند سطح معلوماتشان چقدر است و گاهی هم معلم ها از والدین می خواهند از این کار دست بردارند.»

به گزارش ایسنا، روزنامه ایران نوشت: «زنگ هشدار موبایل را روی ساعت امتحان فرزندش گذاشته. با صدای زنگ، کنار جاده توقف می کند و هول هولکی کتاب ادبیات سال هفتم را می گذارد روی پایش و آماده می شود. آخر پسرش امروز امتحان دارد و روی او حساب جدی باز کرده. دو نفری آنلاین می شوند تا یک امتحان خانوادگی را تجربه کنند.»

این دو سال اتفاق های عجیب و غریب زیادی افتاده. ویروسی آمد که شکل زندگی همه مان را عوض کرد. آموزش آنلاین یکی از اتفاقات تازه و نو این دوران است اما همین آموزش در کنار خوبی هایش کلی مشکل هم ایجاد کرد. این بار اما نمی خواهم درباره مشکل قطع شدن اینترنت یا امثال آن حرف بزنم که شاید زیاد درباره اش خوانده اید. می خواهم از رواج اتفاقی حرف بزنم که بعدها می تواند تبعات بدی برای فرزندان ما داشته باشد؛ مسأله ای که خیلی از معلم ها هم از آن گلایه مندند؛ رواج تقلب.

صدای پچ پچ مادرها و پدرها موقع پرسیدن درس، دستخط خرچنگ قورباغه دانش آموز در کلاس درس و ناگهان دست خط زیبایش موقع امتحان و ... خیلی از معلم ها را کلافه کرده و کار به جایی رسیده که معلم ها دانش آموزانی را که مشکوک به تقلب هستند، به مدرسه فرامی خوانند و از آنها امتحان می گیرند تا بفهمند سطح معلوماتشان چقدر است و گاهی هم معلم ها از والدین می خواهند از این کار دست بردارند.

«از دستخط ها می فهمم نوشتن بعضی از برگه های امتحانات میان ترم کار مادرها یا پدرهاست ولی کاش این کار را نکنند. اگر بچه مشکل اضطراب یا تنبلی یا هر چیز دیگری دارد باید ریشه ای حل شود. کاش به اسم کمک و همراهی، سرپوش گذاشتن و تقلب را یاد بچه هایمان ندهیم.» این اظهار نظر یک معلم در یکی از شبکه های اجتماعی در همین باره است.

زهرآ خماریان، معلم کلاس اول ابتدایی، که تجربه دو سال تدریس آنلاین در دوره همه گیری کرونا را دارد در این باره بیشتر توضیح می دهد: «من متوجه شده ام خیلی ها چیزی را که می نویسند و می فرستند با آن چه واقعاً آموخته اند، تفاوت دارد. این یکی از معضلات آموزش آنلاین است. من چند دانش آموز را اتفاقی انتخاب کردم و خواستم به مدرسه بیایند و آزمون بدهند و متوجه شدم تکالیف، کار خودشان نیست. با والدین بچه ها تماس گرفتم و حرف زدم که البته مؤثر بود. همین طور متوجه شده ام بچه هایی که برادر و خواهر بزرگتر از خودشان دارند و از یک گوشی مشترک استفاده می کنند معمولاً خواهر و برادر بزرگتر مشق های بچه کوچک تر را هم می نویسند. چون برخی خانواده ها مسئولیت بچه های کوچک تر را به بچه های بزرگتر واگذار کرده اند و تکالیف این جور انجام می شود؛ بدون این که بچه کوچک تر مفهوم درس را بیاموزد. این معضلات را در پایه دوم هم دیده ام. مثلاً بچه ای که هیچکدام از تکالیف ریاضی اش را خودش انجام نداده و از الان اضطراب بازگشت دوباره به مدرسه دارد و مدام به مادرش می گوید من که چیزی بلد نیستم.»

شاید شما هم دور و برتان دانش آموز یا دانشجویی را دیده باشید که چندان میلی به بازگشت دوباره به مدرسه و دانشگاه ندارد. یکی از دلایل این بی تمایلی همین موضوع است. چون در آموزش حضوری دست کم در موقع امتحان داند یار و یآوری وجود ندارد.

خماریان ابراز امیدواری می کند: «امیدوارم هر چه زودتر مدارس باز و این مشکلات تمام شود. البته راهکارهایی هم برای حل این مشکل وجود دارد؛ مثلاً می توان از بچه ها آزمون های متعدد گرفت یا در واتس اپ تماس تصویری داشت تا مطمئن شویم خود دانش آموزان متن شان را می خوانند و می نویسند. من بارها در پس زمینه کار شنیده ام که مادر توی گوش بچه درسش را می خواند اما در تماس تصویری اینها مشخص می شود.»

به عقیده او اگر نرم افزارهای تعاملی بیشتری ساخته شود و در اختیار مدارس قرار گیرد، از این مسأله می توان پیشگیری کرد. نرم افزارهای تعاملی تصویری راهکار مفیدی هستند. در حالی که الان فقط گفت و گوی صوتی در نرم افزار شاد وجود دارد که اصلاً

کافی نیست. ارتقای نرم افزار شاد و تعاملی تر و سازنده تر شدن آن هم کار معلم و هم خانواده ها را راحت تر می کند و بچه ها کمتر از زیر کار درمی روند و احساس مسئولیت بیشتری می کنند.

این معلم تأکید می کند: «به هر حال آموزش آنلاین آسیب های خودش را دارد و اگر قرار باشد بچه ها به مدرسه برگردند حتماً باید راهکارهایی برای جبران این کاستی ها در سیستم آموزش و پرورش دیده شود. کمبود مهارت های اجتماعی در بچه ها می تواند به آنها لطمه بزند. گاهی از بچه ها می خواهیم از خودشان فیلم بگیرند. در این ویدئوها مشخص است بچه ها چقدر در صحبت کردن بی مهارت شده اند. این بچه ها پیش دبستان نرفته اند و تعامل در خانواده ها هم به نسبت کم شده و به ویژه در خانواده های محروم تر بچه ها از گفتن جملات ساده هم درمی مانند. فقدان مهارت های زبانی را جدی می بینیم. وقتی مهارت حرف زدن بچه ها تا این حد ضعیف باشد، قطعاً روی مهارت خواندن و نوشتن هم اثر می گذارد.»

محمدرضا نیک نژاد، کارشناس مسائل آموزشی و دبیر فیزیک در یکی از دبیرستان های تهران، هم می گوید: «من بارها متوجه تقلب شده ام. همین امسال در کلاس های مجازی چندین بار صدای مادر را شنیده ام که با پسرش هنگام جواب دادن پرسش های صحبت می کند. گاهی یک تحقیق درباره موضوعی می دهم و می بینم چند ساعت بعد تحقیق حاضر است اما هنگام ارائه کار دانش آموز حتی نمی تواند ۲۰ تا ۴۰ درصد کلمات را درست بخواند. معلوم است اصلاً خودش کاری نکرده.»

او این مسأله را یک موضوع فرهنگی می داند که سیستم آموزشی به آن دامن زده است: «سیستم آموزشی ما نمره محور است و برای بیشتر خانواده ها حتی خانواده های فرهنگی نمره مهم است. این خانواده ها قبلاً بچه ها را تحت فشار زیاد قرار می دادند تا درس بخوانند و نمره بگیرند اما الان دیگر به جای فشار آوردن به بچه، حتی به جای او امتحان می دهند.»

او این موضوع را با توجه به فرهنگ آموزشی غالب در خانواده ها ارزیابی می کند: «بیشتر خانواده ها موفقیت آموزشی فرزندشان را در نمره می بینند. این در حالی است که مهارت هایی که فرد باید در مدرسه یاد بگیرد مثلاً مهارت های اجتماعی و زبانی نادیده گرفته می شود. نگاه کمی به آموزش موجب شده آموزش را در نمره و معدل و موفقیت های کارنامه ای ببینیم. برخی هم که دنبال سود اقتصادی هستند مدام به این مسأله دامن می زنند تا اضطراب ایجاد کنند و از این طریق پول دریاورند. همه اینها دست به دست هم داده تا ما موفقیت آموزشی فرزندان را در نمره ببینیم.»

این کارشناس مسائل آموزشی درباره راهکارهای بلندمدت و کوتاه مدت حل این مشکل می گوید: «استیلاهای مافیای آموزشی یکی از دلایل کمی شدن آموزش است. در تبلیغ کتاب های کمک درسی مختلف دائم می گویند معلم را به خانه ببرید. اگر کسی در جامعه دلسوز باشد با اینها مقابله می کند و دست این افراد را کوتاه می کند تا آن قدر نمره را مهم نکنند. اما در کوتاه مدت خانواده ها باید در این باره آموزش جدی ببینند و بدانند تقلب یک شکل دزدی است و شاید سود مادی نداشته باشد اما در درازمدت آسیب های جدی دارد که می تواند سرنوشت بچه ها را عوض کند.»

بسیاری از بچه های متوسط و ضعیف این روزها اصلاً تمایلی به بازگشت دوباره به مدرسه ندارند؛ چرا که طی دو سال به راحتی نمره گرفته اند که البته در سطح دانشگاه هم این مشکل دیده می شده. خانواده ها بدانند این کار یک نوع بی اخلاقی است و اگر دزدی را بی اخلاقی می دانیم باید تقلب را هم شامل آن بدانیم. ادامه این کار باعث می شود قبح دزدی و اختلاس ریخته شود و بچه ها حریم اخلاقی جامعه را زیر پا بگذارند. همچنین درس و امتحان حضوری تنها جایی بود که بچه ها مستقل از والدین کاری را انجام می دادند که این هم ظاهراً از دست رفته.»

یک پدر در این باره می گوید، پسر من امتحان عربی داشت. به اتاقش رفتم و دیدم از کتاب کمک می گیرد به او گفتم صفر بگیری ارزشش بیشتر از بیست با تقلب است. روزهای همه گیری کرونا می گذرد و خیلی از این اتفاقات برایمان خاطره می شود اما یادمان نرود گاهی اثر خاطره ها تا سال ها باقی می ماند.»